

بررسی تحلیلی راهبردهای حمایت از بزه دیده در اسناد بین المللی و حقوق کیفری ایران

دکتر اسماعیل عبدالهی^۱

لیلا اهرمی نژاد^۲

چکیده

بزه دیده، عنصری مهم در فرایند کیفری است که متأسفانه تاکنون در پژوهش‌های جرم‌شناسی و سیاست جنایی کشور ما، موقعیت واقعی خود را نیافته است و ضرورت حمایت از این عنصر مهم و حساس، در گرو ایجاد راهبردهای جهانی و منطقه‌ای و داخلی است به نوعی که بزه دیده، بتواند به حقوق از دست رفته خویش دست یابد. راهبرد حمایت از بزه دیده به معنای روش یا ابزاری کیفری و غیرکیفری برای حمایت از قربانی جرم یا بزه دیده است. مطالب پژوهش حاضر که به صورت توصیفی - تحلیلی بررسی شده است با مطالعات کتابخانه‌ای انجام شده و ابزارهای گردآوری اطلاعات تحقیق نیز شامل فیش برداری و استفاده از بانک‌های اطلاعاتی و شبکه‌های کامپیوتری است و مبنا و معیار در تجزیه و تحلیل‌های کیفی استدلال و استنباط و مقایسه است. در سطح بین‌الملل راهبردها در سه حیطه تقنینی، قضایی و اجرایی بررسی و تحلیل شده است که در بعد راهبرد تقنینی، اسنادی نظیر پیش‌نویس کنوانسیون سازمان ملل متحد درباره دادگری و پشتیبانی برای بزه دیدگان و قربانیان سوءاستفاده از قدرت، اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی، کنوانسیون اروپایی پرداخت غرامت به بزه دیدگان جرایم خشونت بار، کنوانسیون سازمان ملل متحد برای مبارزه با جرایم سازمان یافته فراملی، کنوانسیون سازمان ملل برای مبارزه با فساد، تبیین و تحلیل شده است. در بحث راهبرد قضایی و اجرایی نیز به بررسی و تحلیل نقش بزه دیده در دیوان کیفری بین‌المللی و چگونگی حمایت از او در شروع تحقیقات مقدماتی و مرحله رسیدگی و صدور حکم پرداخته شده است، ولی با توجه به تحلیل‌هایی که در این زمینه و در خصوص تبیین راهبردها، صورت گرفته، مشخص گردیده است که تلاش‌های انجام شده، کافی به نظر نمی‌رسد به طوری که اسناد بین‌المللی در عمل کارایی لازم را نداشته و هنوز تعداد قابل توجهی از کشورها به دلایل گوناگون مفاد اسناد رابه صورت کامل وارد حیطه کاربردی اصول راهبردی خود ننموده‌اند. و در حیطه قضایی و اجرایی نتوانسته‌اند از بزه دیده حمایت کاملی به عمل آورند. در حقوق کیفری ایران نیز هم در قالب قوانین مختلف و هم در روند رسیدگی در دادسرا و دادگاه راهبردهایی وجود دارد که در جریان تحقیق تحلیل و بررسی شده است که می‌توان گفت که تلاش قانونگذار در حیطه راهبرد تقنینی تا اندازه‌ای موفقیت آمیز بوده است و به خصوص با وضع مقرراتی در بخش دیات به خوبی نتوانسته است از بزه دیده حمایت به عمل آورد. ولی با وجود همه این تلاش‌ها و همچنین در حیطه راهبرد قضایی و اجرایی، نواقصی وجود دارد که در صورت اصلاح می‌تواند موثر و مفید باشد.

واژگان کلیدی: بزه دیده، راهبرد تقنینی، راهبرد قضایی، راهبرد اجرایی

۱- استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد بوشهر (استاد راهنما)

۲- کارشناس ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد بوشهر (نگارنده)

مقدمه

بزه دیده، عنصری مهم در فرایند کیفری است که به دنبال وقوع یک جرم دچار آسیب بدنی، روانی و مالی شده است. با توجه به موانعی که بزه دیدگان در جهت دسترسی به نظام عدالت کیفری دارند، بدیهی است که حمایت از آنها، در جهت تسهیل دسترسی به این ساختارها، امری ضروری است به گونه ای که در سطح نظام‌های حقوقی مختلف در چارچوب حمایت از آن قانونگذاری شده، نهاد های خاصی تشکیل شده و هماهنگی خاصی در آن به وجود آمده است.

براین اساس پرسش اساسی این است که در سطح بین الملل و حقوق کیفری ایران چه راهبردهایی جهت حمایت از بزه دیده وجود دارد هدف نوشتار حاضر نیز شناسایی و تشریح راهبردها در دو سطح داخلی و بین المللی و بررسی کارایی آنها، در جهت حمایت از بزه دیده است.

در اسناد بین‌المللی در جهت حمایت از بزه دیده راهبردهای متنوعی وجود دارد که به طور خلاصه عبارتند از: ۱- پیش نویس کنوانسیون سازمان ملل متحد درباره دادگری و پشتیبانی برای بزه دیدگان و قربانیان سوءاستفاده از قدرت ۲- کنوانسیون سازمان ملل متحد برای مبارزه با جرایم سازمان یافته ۳- کنوانسیون سازمان ملل متحد برای مبارزه با فساد ۴- اساسنامه دیوان کیفری بین المللی ۵- کنوانسیون اروپایی پرداخت غرامت به بزه دیدگان جرایم خشونت باروحتی در حیطه راهبرد قضایی و اجرایی نیز سازوکارهایی جهت حمایت از بزه دیده دیده می شود. اما با توجه به مطالعاتی که پیرامون این مسأله انجام شده، مشخص گردیده است که در سطح راهبرد تقنینی، اسناد بین المللی کارایی لازم را نداشته‌اند و هنوز تعداد قابل توجهی از کشورها به دلایل گوناگون مفاد اسناد را بصورت کامل وارد حیطه کاربردی اصول راهبردی خویش ننموده‌اند و در حیطه قضایی و اجرایی نیز نتوانسته‌اند از بزه دیده حمایت کاملی به عمل آورند. در نظام حقوقی ایران که منبعث از شرع مقدس اسلام است، در سطح راهبرد تقنینی، قواعد و مقرراتی در جهت حمایت از بزه دیده تصویب و وضع گردیده است، با این حال صرف نظر از تدابیر خاصی که قانونگذار در بخش دیات با الهام از فقه غنی اسلام اتخاذ نموده، تلاش های صورت گرفته کافی نبوده است و حتی در دو سطح راهبرد قضایی و اجرایی، سازوکارهایی که وجود دارد کافی به نظر نمی رسد، به طوری که در بسیاری از موارد بزه دیدگان یا به تمامی حقوق و منافع خود دست نمی یابند یا مدت های طولانی با صرف هزینه‌های مربوط به تشریفات قضایی باید در انتظار به سر ببرند و تنها در چند مورد دولت و یا افراد دیگر در قبال خسارت وارده به مجنی علیه، مسئول پرداخت می باشند در سایر موارد، بزه دیده به منظور جبران ضرر و زیان‌های وارده باید به مجرم مراجعه نماید و چه بسا در این موارد به لحاظ عدم دسترسی به مجرم و یا متواری بودن وی اعسار وی جبران خسارت وارده میسر نباشد.

۱- مفاهیم اساسی

۱-۱- تعریف بزه دیده

هانس فون هنتیگ پدر علم بزه دیده شناسی، بزه دیده را چنین تعریف نموده است: «بزه دیده جرم مانند کسی است که کالبد عمل مجرمانه را تشکیل داده است. هنتیگ بزه دیده را در مفهوم مضیق خود مطرح ساخت که ناظر بر معنی علیه است» (الستی و حسن پور، ۱۳۸۵: ۲۴).

از نظر واژه شناسی، بزه دیده یکی از مشتقات واژه انگلیسی (victim) بوده و به شخصی گفته می شود که به دنبال رویداد یک جرم، آسیب و زیان یا آزار می بیند که این آسیب ممکن است بدنی، عاطفی، مالی و یا آسیب اساسی به حقوق بنیادی وی باشد (رایجیان، ۱۳۸۱: ۱۵). سازمان ملل متحد نیز در ۱۱ دسامبر ۱۹۸۵ بزه دیده را این گونه معرفی می نماید: «بزه دیدگان کسانی هستند که به طور فردی یا گروهی متحمل خسارت شده اند. این خسارت بویژه در زمینه های مربوط به آسیب جسمانی یا روانی، رنج روحی، خسارت مادی و وارد شدن لطمه بزرگی به حقوق اساسی افراد می باشد. این خسارات ناشی از افعال یا ترک افعالی است که اولاً قوانین جزایی یک دولت را نقض می کند ثانیاً نشان دهنده تخلف از مقررات حقوقی است که در زمینه حقوق بشر برای بزه دیدگان جرایم از یک طرف و برای سوء استفاده از قدرت از طرف دیگر، در سطح بین الملل شناخته شده اند» (پزوفیلیزولا، ۱۳۸۸: ۹۶).

ماده ۱ اعلامیه اصول بنیادی عدالت برای بزه دیدگان و قربانیان سوء استفاده از قدرت نیز در تعریفی مشابه، بزه دیده را این گونه معرفی می نماید: «بزه دیدگان اشخاصی اند که در پی فعلها یا ترک فعلهای ناقض قوانین کیفری دولت های عضو از جمله قوانینی که سوء استفاده مجرمانه از قدرت را ممنوع کرده اند به شکل فردی یا گروهی به آسیب بدنی، روانی، رنج عاطفی، زیان اقتصادی یا آسیب اساسی به حقوق بنیادی خود دچار شده اند.» (رایجیان، ۱۳۸۱: ۱۶۶)

تعدادی از حقوقدانان معتقدند که چون در این اعلامیه از واژه اشخاص برای بزه دیدگان استفاده شده است پس تعریف بزه دیده دربر دارنده اشخاص حقیقی و حقوقی است (عزیزی، ۱۳۸۸: ۱۸) که به نظر می رسد این تعریف خالی از اشکال نیست، لذا نگارنده این تعریف را برای بزه دیده پیشنهاد می کند: بزه دیده شخصی حقیقی است که به طور فردی یا گروهی، مستقیم یا غیر مستقیم هدف آسیب بدنی، روانی، عاطفی، مالی، حیثیتی و آسیب های اساسی به حقوق و آزادی های فردی، قرار گرفته است که این آسیب ها در نتیجه یک عمل مجرمانه اتفاق افتاده است.

۱-۲- مفهوم حمایت

در لغت نامه «علی اکبر دهخدا» حمی و حمایت به این صورت معنا شده است:

حمی (به فتح ح) وسکون میم): حمایت، نگاهداشتن، نگاهبانی کردن و... حمیه، حمایت، حموه، به کسر (حاء) در هر سه به معنای یاری دادن، پرهیز نمودن بیمار از آنچه برای او زیان دارد.

حمایت: «نگاهدشتن، حمایت کردن، پشتیبانی کردن، نگاهبانی کردن از گیاه و به چریدن ندادن، منع کردن، یاری دادن، پرهیز نمودن بیمار از آنچه برای او زیان دارد، نگاهبانی.» (دهخدا، ۱۳۳۵: ۸۰۶).

و در فرهنگ معین نیز ذیل واژه حمایت معانی متعددی آمده است:

۱- نگاهبانی کردن، دفاع کردن از کسی، پشتیبانی کردن ۲- (امص.) نگاهبانی، پشتیبانی، حفاظت (معین، ۱۳۷۲: ۱۳۷۵)

و حمایت در اصطلاح، عبارت است از نگاهبانی کردن، پشتیبانی کردن و دفاع کردن از کسی یا چیزی که محافظت و یاری نمودن از آن، واجب و الزامی است یا ممانعت و جلوگیری از ایصال ضرر به موضوع مورد حمایت (مثلاً بزه دیده) که ممکن است به اشکال متعدد صورت گیرد. حتی ممکن است به منظور حمایت از یک موضوع که دفاع و پشتیبانی از آن لازم و ضروری است، قانونگذار این امر را با توسل به قانونگذاری در آن مورد خاص جنبه و صبغه قانونی بدهد (حسینلو، ۱۳۸۱: ۹). حمایت از بزه دیده از این دیدگاه، جلوه ای از پاسخ به جرم از گذر پیش گیری از بزه دیدگی در تعریف سیاست جنایی است (رایجیان، ۱۳۹۰: ۱۲۳)

۲- راهبردهای حمایت از بزه دیده در اسناد بین المللی

۲-۱- سازوکارهای تقنینی در اسناد عام و خاص بین المللی

در سطح بین الملل اسناد متعددی در زمینه حمایت از بزه دیده وجود دارد که به دو نوع خاص و عام تقسیم بندی شده است. از جمله اسناد عامی که در این زمینه وجود دارد عبارتند از: ۱- پیش نویس کنوانسیون سازمان ملل متحد درباره دادگری و پشتیبانی برای بزه دیدگان و قربانیان سوءاستفاده از قدرت ۲- اساسنامه دیوان کیفری بین المللی ۳- کنوانسیون سازمان ملل متحد برای مبارزه با جرایم سازمان یافته ۳- کنوانسیون سازمان ملل برای مبارزه با فساد (کنوانسیون ۲۰۰۳ مریدا ۴- کنوانسیون پرداخت غرامت به بزه دیدگان جرایم خشونت بار

۲-۱-۱- پیش نویس کنوانسیون سازمان ملل متحد درباره دادگری و پشتیبانی برای بزه دیدگان و قربانیان سوءاستفاده از قدرت

پیش نویس کنوانسیون ۲۰۰۶ که از دیباچه و ۲۵ ماده در چهار بخش تشکیل شده، در بردارنده معیارهای گوناگونی در زمینه حقوق بزه دیدگان و حمایت از آنهاست که برخی نسبت به اعلامیه ۱۹۸۵ نوآورانه اند. در دیباچه این پیش نویس، ضمن اشاره به بزه دیدگی گروهی میلیون ها نفر، از جمله، بسیاری از زنان و کودکان (به منزله بزه دیدگان خاص) و خاستگاه بزه دیدگی آنان، بر نادیده گرفته شدن حقوق این بزه دیدگان تأکید شده است. این پیش نویس دارای راهبردهای متعددی در زمینه حمایت از قربانیان جرایم است. راهبردهای این سند جهانی عبارتند از:

۲-۱-۱-۱- دسترسی به دادگری و رفتار منصفانه

مفهوم دادرسی عادلانه نمایانگر گرایشی در سیاست جنائی ملل متحد است که نه تنها با بینشی بزهکار مدار اجرای عدالت جنایی نسبت به مرتکب جرم را ایجاب می کند، بلکه بر پایه ملاک های بین المللی حقوق بشر، نادیده گرفتن یا رعایت نکردن حقوق متهم یا بزه کار را در چارچوب فرایند عدالت جنائی، نقض یک هنجار شناخته شده حقوق بشری انگاشته و بدین سان، با بینشی بزه دیده مدار فرد زیان دیده را قربانی نقض حقوق بشر و آزادی های بنیادی اش می شناسد. در نتیجه، هر رفتاری که با نشانه

رفتن حق زندگی یا آزادی (به منزله بنیادی ترین حقوق مدنی و سیاسی)، حقوق بشر و آزادی های بنیادی متهم یا بزهکار را نقض و پایمال کند- از دستگیری یا بازداشت خودسرانه و غیر قانونی، انواع شکنجه های بدنی و روانی، تا بی احترامی و هتک حرمت به کرامت انسانی یا شخصیت فرد، و نقض خلوت و حریم خصوصی او... نقض مسلم حقوق بشر شمرده شده و فرد زیان دیده را می توان قربانی چنین رفتارهایی انگاشت (رایجیان، ۱۳۸۵: ۱۴۱).

بدین سان، حقوق بزه دیده بر پایه مفهوم دست رسی به عدالت و رفتار منصفانه در کنار حقوق متهم یا بزه کار بر پایه مفهوم دادرسی عادلانه، دو ضلع اصلی عدالت جنایی حقوق بشری معاصر را تشکیل می دهد (همان: ۱۴۳).

۲-۱-۱-۲- حفاظت از بزه دیدگان، گواهان و کارشناسان

ماده ۶ پیش نویس با الهام از ماده ۳۲ کنوانسیون سازمان ملل برای مبارزه با فساد، به «حفاظت از بزه دیدگان، گواهان و کارشناسان» اختصاص یافته است. این ماده، در راستای شناسایی حق تامین امنیت بزه دیده، دولت های عضو را متعهد می سازد تا حفاظت از امنیت، سلامت بدنی و روانی، کرامت و خلوت بزه دیدگان، گواهان و کارشناسان، و در صورت لزوم بستگان و نزدیکان آنان را در برابر تهدید و انتقام تضمین کنند. تدبیرهای پیش بینی شده برای تحقق این هدف نیز در بند ۲ همان ماده آمده که عبارت است از تدبیرهای حفاظت فیزیکی برای جابه جایی و انتقال بزه دیده، گواهان و کارشناسان و حفظ هویت آنان (بند الف)؛ اداء سوگند یا گواهی با ابزارهای فناورانه، مانند ویدیو (بند ب)؛ و توافق و ترتیبات با دیگر دولت ها برای جابه جایی و انتقال این اشخاص (بند پ).

۲-۱-۱-۳- اطلاع رسانی به بزه دیدگان

ماده ۷ پیش نویس کنوانسیون ۲۰۱۰ زیر عنوان اطلاع رسانی، مقررات مفصلی را به این موضوع اختصاص داده که برخی نسبت به اعلامیه ۱۹۸۵ نوآورانه است. در این میان، بند ۱ این ماده موارد ده گانه ای را برای اطلاع رسانی می شمارد که مهم ترین آن عبارت است از مراکز خدماتی و حمایت از بزه دیده، نوع حمایت ها، مکان و چگونگی گزارش کردن جرم ارتكابی، دست رسی به مشاوره حقوقی، و...

۲-۱-۱-۴- کمک های مادی و غیر مادی به بزه دیدگان

ماده ۸ پیش نویس کنوانسیون ۲۰۱۰، با الهام از پاراگراف های ۱۴ تا ۱۷ اعلامیه ۱۹۸۵، زیر عنوان کمک به بزه دیده، مقررات خاصی در این زمینه آورده که برخی از آنها بدیع و تازه است. مهم ترین نمونه، عبارت است از به کار بردن اصطلاح آگاه سازی بزه دیده از خدمات رسانی که با الهام از کتابچه عدالت (دادگری) برای بزه دیدگان به پیش نویس راه یافته است. در این میان، بند ۵ این ماده با تاکید بر آموزش مترجمان ویژه حمایت از بزه دیده، یکی از رکن های مهم دادرسی دادگرانه یعنی، حق بهره مندی از مترجم رایگان برای کمک به زبان قابل فهم متهم را برای بزه دیده نیز به رسمیت می شناسد.

۲-۱-۱-۵- عدالت ترمیمی

«عدالت ترمیمی»، الگوی جدیدی در عدالت کیفری است که بر احیای حقوق بزه دیده و حل و فصل مسائل ناشی از ارتكاب بزه با مشارکت فعال بزه دیده و جامعه محلی و نیز بزهکار از طریق مذاکره و ترمیم خسارات و ایجاد صلح و آشتی تاکید و تکیه دارد. در

واقع زیر بنای ترمیم رابطه بزه دیده و بزه‌کار مسئولیت است. در این زمینه یکی از نویسندگان بیان می‌دارد: «نهاد مسئولیت، ترمیم کننده و تدبیر کننده مجدد رابطه ای است که به واسطه رفتار مرتکب دچار خلل گردیده است. هرچند ترمیم یا تدبیر این رابطه، گاهی اوقات دشوار و با سختی‌های فراوانی مواجه است، لیکن صلاح و فساد همه طرف‌ها و اضلاع این رابطه در گروی نحوه ترمیم و یا تدبیر مجدد آن است.» (عبداللهی، ۱۳۸۹: ۵۴).

۲-۱-۱-۲- جبران خسارت

برخورداری افراد از حمایت اصل حاکمیت قانون، مقتضی آن است که هر گاه در اثر نقض قانون خسارتی بفرود وارد شود، به جبران مناسب قضایی دسترسی داشته باشد (فضائلی، ۱۳۸۷: ۹۱). مواد ۱۱ و ۱۰ پیش نویس کنوانسیون ۲۰۱۰ نیز مقررات مفصلی را درباره حق جبران پیش بینی می‌کند.

۲-۱-۱-۲- پرداخت غرامت

در بند ۱ ماده ۱۱ پیش نویس کنوانسیون ۲۰۱۰ پیش بینی شده است که زمانی که جبران خسارت از گذر بزه‌کار یا دیگر منابع به طور کامل در دسترس نیست، دولت‌های عضو باید برای پرداخت غرامت به بزه دیدگان و خانواده آنها بکوشند و در بند ۴ نیز صندوق‌های ملی، منطقه‌ای و محلی در این خصوص در نظر گرفته شده است.

۲-۱-۲- اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی

سند دیگر در زمینه حمایت از بزه دیده اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی است که در شهر رم ایتالیا مورد موافقت دولت‌ها قرار گرفت. این سند مقررات زیادی را در خصوص بزه دیدگان و بازماندگان جنایت‌های بین‌المللی در بر دارد. راهبردهای این سند عبارتند از:

۲-۱-۲-۱- عدم افشای هویت شاهد و بزه دیده

ماده ۶۸ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی کیفری به حمایت از بزه دیده و شهود می‌پردازد (شریعت باقری، ۱۳۹۰: ۱۱۲). ولی حمایت از قربانیان جرایم و شهود به طور مسلم، به گونه‌ای نیست که با معیارهای دادرسی عادلانه مغایرت داشته باشد و یا مستلزم دست برداشتن از برخی تضمین‌های ضروری آن باشد. اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی، به صراحت، این حمایت‌ها را به عدم اخلال و ناسازگاری با حقوق متهم و دادرسی عادلانه و بی‌طرفانه مشروط می‌کند. بنا بر این ضرورت حمایت از بزه دیدگان و شهود به هیچ وجه شرایطی را پدید نمی‌آورد که عدول از برخی حقوق مربوط به دادرسی عادلانه را ایجاب کند.

۲-۱-۲-۲-اعطای نمایندگی خاص به بزه دیدگان

اساسنامه رم، برای نخستین بار در تاریخ دادگاه های کیفری بین المللی، این امکان را فراهم آورد که حق داشتن نماینده حقوقی به بزه دیدگان اعطاء شود تا بتوانند در گرفتن حق خود، مشارکت داشته باشند. در قواعد مربوط به دادگاه های یوگسلاوی سابق ورواندا چنین ماده ای وجود ندارد. ماده (۳) ۶۸ اساسنامه رم به دادگاه اختیار داده که به بزه دیدگان حق داشتن نماینده را اعطا نماید.

۲-۱-۲-۳-جبران خسارت از بزه دیدگان

اساسنامه رم، تلاش های بسیاری برای جبران خسارت بزه دیدگان نموده است. به حدی که این اقدامات نسبت به آنچه در آیین دادرسی وادله دادگاه یوگسلاوی سابق بود، قابل توجه است. مطابق ماده (۱) ۷۵ اساسنامه رم، دادگاه اصولی را درارتباط با جبران خسارت بزه دیدگان از جمله اعاده اموال واعاده اعتبار آن ها مقرر خواهد نمود. طبق ماده (۲) ۷۵ دادگاه اختیار دارد احکامی به نفع بزه دیدگان وعلیه محکومان برای جبران خسارت صادر کند، اما پیش از آن، دادگاه ممکن است از بزه دیدگان و دیگر اشخاص ذی نفع، شخص محکوم علیه ودولت ها درمورد جبران خسارت دعوت به عمل آورد یا دیدگاه های آنها را در مورد جبران خسارت اخذ کند. از جمله اسناد عام دیگر در این زمینه کنوانسیون سازمان ملل متحد برای مبارزه با جرایم سازمان یافته وکنوانسیون سازمان ملل برای مبارزه با فساد است. کنوانسیون سازمان ملل برای مبارزه با جرایم سازمان یافته با دو پروتکل اختیاری خود بر جرم انگاری قاچاق زنان وکودکان وپیش گیری از آن ومبارزه با قاچاق مهاجران زمینی، دریایی وهوایی از بزه دیدگان خاص حمایت نموده است. کنوانسیون سازمان ملل برای مبارزه با فساد نیز تحول مهمی را در جرم انگاری سوءاستفاده از قدرت اقتصادی ایجاد کرده است. این کنوانسیون به دلیل آماج قراردادن جرم هایی که مرتکبان آن، به طور معمول، کارگزاران دولتی اند، اهمیت فراوانی دارد ونشان می دهد که ارزش های بنیادینی چون رعایت اصل حاکمیت قانون، درست کاری وپاسخ گویی را باید به منزله بنیان اصلی توسعه رواج داد(ولاسیس، ۲۰۰۴: ۱۱۸)

سند بین المللی خاصی که در زمینه حمایت از بزه دیدگان وجود دارد کنوانسیون اروپایی پرداخت غرامت به بزه دیدگان جرایم خشونت بار است. درواقع یکی از مهم ترین ابزارهای بهبود جایگاه وضعیت بزه دیدگان، تدوین راهبردهای منطقه ای است که از رهگذر نقاط مشترک فرهنگها وسنتهای کشورهای یک منطقه می توان به آن دست یافت. نمونه برجسته این راهبردها کنوانسیون اروپایی پرداخت غرامت به بزه دیدگان جرایم خشونت بار است که در بستر تلاش های شورای اروپا به تصویب رسید.^۲ این کنوانسیون موضوع حمایت از بزه دیدگان را تنها در چارچوب جبران دولتی یا عمومی به تصویر می کشد. اگر چه کنوانسیون اروپایی مفهومی نوآورانه یا باز اندیشیده به نام پرداخت غرامت دولتی را می شناساند، جبران آثار بزه دیدگی را تنها به گونه مادی آن محدود می کند(رایجیان، ۱۳۹۰: ۹۹)

1-vlassis

2-Handbook on Justice for victims on the Use and Application of the Declaration of Basic principles of justice for victims of Crime and Abuse of power;p.99.

۲-۲-۲- تدابیر قضایی

دیوان بین المللی کیفری نهاد قضایی بین المللی است که راهبردهای متعددی جهت حمایت از بزه دیدگان و قربانیان سوء استفاده از قدرت، نسل کشی، جنایات جنگی و... دارد. این راهبردها به دو مرحله مقدماتی و رسیدگی قابل تقسیم هستند. در مرحله مقدماتی دادستان دیوان کیفری بین المللی نقشی اساسی ایفاء می کند که به شرح ذیل است:

۲-۲-۲-۱- راهبردهای قضایی در مرحله مقدماتی

۲-۲-۲-۱-۱- حمایت از بزه دیده در شروع تحقیقات مقدماتی

بزه دیده، گرچه عنصری مهم در فرایند کیفری است. اما در شروع فرایند کیفری در دیوان بین المللی نقش مستقیم ندارد. در واقع حق به جریان انداختن یک قضیه بر اساس شکایت بزه دیده پیش بینی نشده است، اما این فرصت به آنها داده شده که هنگام بررسی شعبه مقدماتی در مورد تصمیم دادستان مبنی بر آغاز تحقیق و یا نظارت بر تصمیم وی مبنی بر عدم آغاز تعقیب یا تحقیق، نظر خود را به شعبه مقدماتی ارائه نمایند (بابایی، ۱۳۸۹: ۸۷).

۲-۲-۲-۱-۲- تحقیقات مستقل دادستان در راستای حمایت از بزه دیده

دادستان دیوان می تواند علاوه بر تحقیقاتی که از متهمان، شهود و بزه دیدگان به عمل می آورد، تحقیقات مستقل دیگری را برای تکمیل تحقیقات خود و بررسی صحت و سقم ادعاها انجام دهد. از جمله این موارد بررسی اسناد و مدارکی است که سازمانهای غیر دولتی و یا حتی مقامات دولتی یک کشور، در خصوص جنایات ارتكابی در اختیار دارند.

۲-۲-۲-۱-۳- تحقیقات کمیسیون های حقیقت یاب در راستای حمایت از بزه دیده

زمانی شخص دادستان دیوان بر اساس اطلاعات به دست آمده، احتمال وقوع جنایتی بین المللی داخل در صلاحیت دیوان را بدهد، یکی از شیوه ها و ابزارهایی که دادستان می تواند از طریق آن تحقیق اولیه را انجام دهد، تشکیل کمیسیونی حقیقت یاب است که بتواند در چارچوب مقررات دیوان، حقیقت را در خصوص وضعیت مورد بحث شناسایی نموده و به دادستان گزارش کند. بدیهی است که نتایج این کمیسیون های حقیقت یاب، اعم از آن که سازمان ملل آنها را تشکیل داده باشد یا دادستان دیوان تأثیر بسیار زیادی بر تحقیقات و رسیدگی های بعدی دیوان خواهد داشت. چه آن که این کمیسیون ها اصولاً در فاصله زمانی بسیار کوتاهی از وقوع جنایات تشکیل می گردند و طبیعتاً بهتر می تواند به ادله، شهود، قربانیان و... دسترسی پیدا کنند و تا قبل از آن که ادله جنایات توسط مرتکبین آن ها از بین بروند آن ها را تأمین نمایند.

۲-۲-۱-۴- صدور دستور بازداشت و یا احضار توسط شعبه مقدماتی

صدور دستور بازداشت گامی حمایتی در راستای حفظ حقوق بزه دیده است که توسط شعبه مقدماتی صادر می شود. در واقع دادستان رأساً حق احضار یا جلب مظنونان برای انجام تحقیقات را ندارد، بلکه در هر مرحله ای از تحقیقات می تواند از شعبه مقدماتی، صدور دستور احضار یا حکم جلب را درخواست نماید. پس از آغاز تحقیق و در صورت درخواست دادستان شعبه مقدماتی با بررسی درخواست دادستان و ادله یا سایر اطلاعاتی که از سوی دادستان، ارائه می شود، دستور بازداشت را صادر خواهد کرد (ماده ۱) (۱) ۵۸ اساسنامه دیوان).

۲-۲-۱-۵- تامین خواسته از اموال متهمین

تامین خواسته کیفری از جمله اقداماتی است که در جهت حفظ منافع بزه دیدگان و همچنین جبران خسارت از قبل اموال بازداشت شده فایده مند است. در ماده ۵۷ اساسنامه، تحت عنوان وظایف و اختیارات شعبه مقدماتی در قسمت (ه) مقرر می دارد: «در موردی که مطابق ماده ۵۸ دستور بازداشت و یا احضار شخص صادر شده و با لحاظ ارزش و اعتبار ادله و همچنین حقوق طرفین به نحوی که در این اساسنامه و آیین دادرسی و ادله مقرر شده است و در راستای اعمال قسمت (ی) ماده ۹۳^۱ این اساسنامه، همکاری کشورها را در خصوص انجام اقدامات تامینی به منظور ضبط اموال و به ویژه حفظ منافع آتی بزه دیدگان جلب نماید.»

۲-۲-۱-۶- احضار شهود و مطلعین

همانند نظام های داخلی یکی از منابع اصلی دادستان در جمع آوری ادله، شهود عینی هستند. با توجه به ماهیت جنایات بین المللی که مرتکبان آنها اصولاً از مقامات نظامی یا سیاسی کشورها و یا گروه های سازمان یافته جنایتکار هستند، لذا حمایت و حفاظت از شهود این گونه جنایات به ویژه در مرحله تحقیقات مقدماتی امری ضروری است. در واقع، جنایات جنگی و جنایات علیه بشریت، بویژه جنایت نسل کشی، می توانند تعداد بسیار زیادی قربانی به همراه داشته باشند. به هنگام تحقیقات مربوط به چنین جرائمی، قربانیان بازمانده به عنوان شهود مورد بازجویی قرار می گیرند. هرچند ممکن است تمام قربانیان، شهود ماجرا نبوده و کسانی غیر از بزه دیدگان به عنوان شهود به پشت میز دادگاه فراخوانده شوند، ولی مشخصه مشترک هر دو گروه این است که هر دو، یک گروه آسیب پذیرند و سزاوار نوعی حمایت ویژه.

^۱ ماده ۹۳ مقرر می دارد: دولت های عضو، مطابق با مقررات این بخش و آیین های پیش بینی شده در قوانین ملی خود، به درخواست های همکاری دیوان در ارتباط با تحقیق یا تعقیب که به موارد ذیل مربوط است ترتیب اثر خواهند داد: (ی) حمایت از قربانیان و شهود و حفظ عناصر

۲-۲-۲-۲-۲-حمایت از بزه دیده در مرحله رسیدگی و صدور حکم

در مرحله رسیدگی دیوان نیز جهت حفظ حقوق بزه دیده و حمایت از او تدابیر متعددی قابل تبیین است که عبارتند از:

۲-۲-۲-۲-۱-برگزاری دادرسی غیرعلنی در موارد لزوم

در بند ۲ ماده ۶۷ اساسنامه دیوان کیفری بین المللی آمده است: «به عنوان استثنایی بر اصل علنی بودن دادرسی که در ماده ۶۷ مقرر گردیده و به منظور حفظ مجنی علیهم، شهود و یا متهم، می توان هر مرحله ای از مراحل دادرسی را به صورت غیر علنی برگزار نمود و یا اجازه داد که ارائه ادله از طریق وسایل الکترونیکی یا سایر وسایل خاص صورت گیرد. چنین ترتیباتی به ویژه در مورد مجنی علیه جرم تجاوز یا شاهد آن بوده است انجام می پذیرد. مگر آن که دیوان با لحاظ کلیه جوانب امر خصوصاً نظرات مجنی علیه یا شاهد، شکل دیگری را مقرر دارد.»

۲-۲-۲-۲-۲-حمایت افتراقی یا ویژه از بزه دیدگان خاص

بند ۱ ماده ۶۸ اساسنامه دیوان کیفری بین المللی، مقرر می دارد: دیوان تدابیر مناسب را به منظور امنیت و نیز سلامتی جسمی و روحی و همچنین شأن و امور شخصی بزه دیدگان و شهود اتخاذ خواهد نمود. به منظور انجام مراتب فوق، دیوان باید همه عوامل مرتبط از جمله سن، جنس و شرایط جسمی و بالاخره ماهیت جرم را خصوصاً این که آیا جرم ارتكابی متضمن تجاوز به زنان و کودکان و یا جنس خاصی از افراد جامعه بوده یا خیر را، در نظر گیرد.

۲-۲-۲-۳-حق داشتن نماینده حقوقی

بر اساس بند ۳ ماده ۶۸ اساسنامه رم، در مواردی که منافع و مصالح مجنی علیهم در معرض تعرض قرار می گیرد، دیوان اجازه خواهد داد که نظرات و مواردی که موجب نگرانی آنان است، ارائه شود و در مراحل مختلف دادرسی که توسط دیوان مناسب تشخیص داده می شود، به نحوی که منافی یا معارض با حقوق متهم و نیز یک محاکمه بی طرفانه و منصفانه نباشد، مورد بررسی قرار گیرد. نظرات و موارد نگرانی مزبور می تواند توسط نمایندگان حقوقی مجنی علیهم ارائه شود، مشروط بر آن که به نظر دیوان و بر اساس آیین دادرسی و ادله، چنین امری مناسب تشخیص داده شود.

از دیگر راهبردهای مرحله رسیدگی و صدور حکم می توان به جبران خسارت و حق اعتراض و تجدیدنظر خواهی اشاره نمود.

۳- راهبردهای حمایت از بزه دیده در حقوق کیفری ایران

۳-۱- سازوکارهای تقنینی

۳-۱-۱- حمایت کیفری ساده

در واقع جرم انگاری هر رفتار منع شده را که نیازمند پیش بینی یک ضمانت اجرای مشخص و معمولاً کیفری است، حمایت کیفری می توان نامید. همچنین می توان گفت که قوانین کیفری افزون بر نقش پیشگیرنده ای که از رهگذر سازوکارهایی چون بازدارندگی فردی و جمعی دارند، نقش حمایتی از رهگذر پیشگیری از بزه دیدگی را نیز به دوش می کشند (رایجیان، ۱۳۸۴: ۷۸).

۳-۱-۲- حمایت کیفری مشدد

گاهی مصلحت های سیاست جنایی ایجاب می کند که با تشدید ضمانت اجراها به این حمایت کیفری جامه عمل پوشانده شود. این تدبیر گونه خاصی از تشدید عینی است که با تأکید بر شخص بزه دیده، حمایت کیفری از او را دنبال می کند. نمونه بارز آن مواد ۶۱۹ و ۶۲۱ قانون مجازات اسلامی است.

۳-۱-۳- حمایت کیفری ویژه یا افتراقی

این حمایت کیفری به جرم انگاری های خاص بر پایه وضعیت آسیب پذیر بزه دیده ناظر است. در اینجا وضعیت بزه دیدگان خاص به یک حمایت کیفری افتراقی می انجامد. ماده ۶۴۶ و ۷۱۳ قانون مجازات اسلامی نمایانگر این الگوی خاص است.

۳-۱-۴- حمایت کیفری دنباله دار

اگر سازوکاری به نام جرم انگاری را همراه با پیش بینی یک ضمانت اجرای کیفری، گرانگاه حمایت کیفری بدانیم، ممکن است در پی آن قانونگذار با پیش بینی ضمانت اجراهای دیگری برای نمونه، از نوع مدنی، اداری، انضباطی و مانند آن، به حمایت از بزه دیده جامه عمل بپوشاند. این سازوکار را از آن جا که ضمانت اجراهای یاد شده اصولاً در پی جرم انگاری همراه با یک ضمانت اجرای معمولاً کیفری می آید، می توان حمایت کیفری دنباله دار نامید (همان، ۷۹). ماده ۱۱۷۳ قانون مدنی و ماده ۱۴ قانون اقدامات تأمینی نمونه بارزی از این الگو است.

۳-۱-۵- حمایت مالی

حمایت مالی از بزه دیده به معنای پیش بینی سازوکارهایی در قوانین مختلف برای دستیابی بزه دیده به حقوق قانونی خود و جبران خسارت او در سراسر فرایند کیفری. ماده ۹ و ۱۰ و ۲۹۴ قانون مجازات اسلامی به حمایت مالی از بزه دیده پرداخته است.

۳-۱-۶-حمایت حقوقی از بزه دیده

حمایت حقوقی عبارت است از پیش بینی سازوکارهایی برای احقاق این حقوق و برآورده کردن نیازهای بزه دیدگان به ویژه جبران خسارت یا تسهیل آن در سراسر فرایند جنایی. از آنجا که این حقوق معمولاً در قوانین آیین دادرسی کیفری به رسمیت شناخته می شود، از آنها می توان به «سازوکارهای مبتنی بر آیین دادرسی» یاد کرد.^۱ ماده ۱۸۵ و ۱۹۱ و ۳۰۱ به حمایت حقوقی از بزه دیده پرداخته است.

۳-۲-۲-تدابیر قضایی

۳-۲-۱-راهبردهای قضایی در مرحله رسیدگی و صدور حکم

۳-۲-۱-۱-درخواست ترک محاکمه

در واقع درخواست ترک محاکمه از سوی بزه دیده را که در تبصره ۱ ماده ۱۷۷ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۷۸ پیش بینی شده است، از موانع دادرسی باید به شمار آورد که می تواند نشانگر توجه به بزه دیده نیز باشد. انگیزه تأسیس چنین نهادی، حمایت مستقیم از بزه دیده است و مقنن در سیر فکری خود، درصدد ایجاد فرصت حقوقی مناسب و شایسته برای بزه دیده است. چنین موقعیتی، اهرم ضمانتی است که بزه دیده می تواند از آن در راستای جبران ضرر و زیان ناشی از جرم متهم استفاده کند و چنانچه متهم از جبران خسارت منصرف شود یا تمایل چندانی به جبران خسارت نداشته باشد مجدداً درخواست تعقیب کند.

۳-۲-۱-۲-سازش و درخواست آن

نهاد صلح و سازش یکی از ابزارهای حمایت از بزه دیده است و زمانی که امکان صلح و سازش مطرح می شود، نیازهای بزه دیدگان و مسئولیت های متهمان جهت جبران خسارت وارده در اولویت قرار می گیرد. صلح و سازش، به بزه دیده فرصت می دهد تا دغدغه های خود را درباره بزه دیدگی مطرح کند و به طور کلی، به درک و شناخت علل و انگیزه وقوع جرم کمک می کند و ضمن توجه به نیازهای بزه دیده و میزان خسارت وارد شده، متهم یا بزه کار را برای جبران در برابر بزه دیده پاسخ گو می سازد. مواردی که ذکر شد در پی نشست بزه دیده و متهم و تعاملات ناشی از آن حاصل می شود زیرا طرفین دعوا پذیرفته اند که در کنار یکدیگر قرار بگیرند و در مورد پیامدهای منفی جرم گفت و گو کنند و در صورت توافق منطقی و معقول آن را به مرحله اجرا درآورند. حتی دلایل درمانی قابل توجهی در خصوص بازگویی مکرر داستان مجرمانه در جلسات سازش برای بزه دیده وجود دارد (زهر، ۱۳۸۳: ۳۳).

1-procedural mechanism

در مقررات دادرسی کیفری ایران، ماده ۱۹۵ قانون ۱۳۷۸ اصلاح ذات البین را پیش بینی کرده است که براساس آن، در اموری که ممکن است با صلح طرفین قضیه خاتمه پیدا کند، دادگاه برای اصلاح ذات البین کوشش و جهد کافی به عمل خواهد آورد.

۳-۱-۲-۳- رسیدگی به دعوی خصوصی ضمن دعوی عمومی

رسیدگی به دعوی خصوصی ضمن دعوی عمومی، یکی از تدابیر ارزنده ای است که برای حمایت از بزه دیده و حفظ حقوق او پیش بینی شده است. بزه دیده کسی است که از وقوع جرمی متحمل ضرروزیان می شود. متضرر از جرم اگر در مقام شکایت برآید «شاکی خصوصی» خواهد بود؛ و وقتی به دنبال ادعای دادستان، از دادگاه جزایی مطالبه ضرروزیان «مدعی خصوصی» است (آخوندی، ۱۳۸۸: ۲۱۱). رسیدگی دادگاه کیفری به دعوی حقوقی زیان دیده از جرم، از جمله راهبردهای حمایتی بسیار مهم در جهت تأمین منافع بزه دیده و جبران ضرروزیان او است. در واقع، مقنن با چنین تدبیری به حمایت حقوقی از بزه دیده برخاسته (ماده ۵۹۷ قانون مجازات اسلامی) و برای تضمین رسیدگی به دعوی خصوصی ضمانت اجرای کیفری قائل شده است.

۳-۱-۲-۴- حق اعتراض و تجدید نظر خواهی

استیناف یا تجدید نظر خواهی یکی از حقوق مسلم بزه دیده و مرتکب جرم است. سیستم رسیدگی دو درجه ای یکی از اصول مهمی است که از لحاظ امنیت قضایی، حقوق بشر بر آن تاکید دارد (آخوندی، ۱۳۸۴: ۱۲۰). در سیستم قضایی فعلی ایران نظام دو مرحله ای بودن دادگاه ها پذیرفته شده است و به موجب آن برخی از آراء قابل تجدید نظر خواهی هستند. مقنن در ملاحظه حقوق بزه دیده یکی از اصول بنیادی - حمایتی را در قالب اصل پژوهش خواهی از آراء پذیرفته است و برای بزه دیده این حق را قائل است که به آرای صادر شده اعتراض کند.

۳-۳- راهبردهای اجرایی در جهت حمایت از بزه دیده با نگاهی اجمالی به نقش پلیس

۳-۳-۱- شکایت کیفری

شکایت کیفری یکی از مهم ترین راهبردهای حمایت از بزه دیده است. در واقع قربانی جرم با اعلام بزه و ثبت آن در دستگاه عدالت کیفری، خواهان حمایت و دستگیری است. کیفیت هر نظام قضایی نیز بستگی به چگونگی پیگیری بزه و حمایت از بزه دیده دارد. در قانون آیین دادرسی کیفری مقرراتی مخصوص بازجویی شاکی توسط پلیس وجود ندارد لیکن مقرراتی در خصوص تحقیق قاضی از شاکی وضع شده است و چون پلیس نماینده قاضی در تحقیق از شاکی است و به عبارتی، ضابط مقام قضایی است لذا مقررات وضع شده به وظایف پلیس در خصوص تحقیق از شاکی نیز مربوط می شود. در خصوص رسیدگی به شکایت شاکی توسط ضابطین در جرایم غیر قابل گذشت دو فرض متصور است: اگر جرم مشهود باشد پلیس حسب مقررات آیین دادرسی

کیفری رأساً وارد عمل می شود. اما چنانچه جرم غیر مشهود باشد با شکایت شاکی از سوی مقام قضایی پلیس بر اساس دستور مقام قضایی ذیصلاح وظیفه قانونی خود را شروع و نتیجه اقدامات انجام شده را به مقام قضایی اعلام می نماید.

۳-۳-۲- احضار و جلب شهود و مطلعین واقعه

یکی از دلایل مهم در امور کیفری، شهادت است. شهادت عبارتست از بیان آنچه که شاهد دیده است به نفع و به ضرر اشخاص ثالث (خالقی، ۱۳۸۸: ۴۱۴). اهمیت شهادت بیشتر از آن جهت است که معمولاً متهم ارتکاب عمل مجرمانه را انکار کرده و به آن اقرار نمی کند و در صدور حکم در دعوای عمومی میان متهم و دادستان، باید در جستجوی دلایل دیگر بود. به همین دلیل، در مورد وقایع مجرمانه اظهارات کسانی که خود در هنگام تحقق آنها حضور داشته و ارتکاب آنها توسط مرتکب را دیده اند، اطلاعات ارزشمندی را برای حصول علم در قاضی فراهم می کند که نادیده گرفتن آن شایسته نیست. در این رابطه، پلیس باید در هنگام احضار شهود و تحقیق از آنها وظیفه قانونی خود را که به موجب مقررات آیین دادرسی کیفری مشخص شده است، انجام دهد. پلیس در جرایم مشهود رأساً و در جرایم غیر مشهود حسب دستور مقام قضایی شهود را برای ادای شهادت احضار می نماید. در صورتی که شاهد یا مطلعین بیمار بوده و نتوانند حاضر شود و تعداد شهود یا مطلعین زیاد بوده و در یک محل مقیم باشند مانند کارگران یک کارخانه یا دانشجویان یک دانشگاه، پلیس به محل آنها رفته و تحقیق می کند.

۳-۳-۴- جلب متهم

از جمله راهبردهای حمایتی که حقوق بزه دیده را تأمین می کند جلب متهم در مرحله تحقیقات مقدماتی است. در واقع جلب و دستگیری، اقدامی است که به موجب آن، مظنون به طور موقت و به عنف برای تحقیق در اختیار ضابطان و سپس مقام قضایی قرار می گیرد. لیکن قانونگذار قبل از اینکه متهم را برای حفظ منافع بزه دیده جلب نماید او را احضار می کند (ماده ۱۱۲ و ۱۱۳ قانون آیین دادرسی کیفری). جلب متهم توسط پلیس در صورتی است که جرم مشهود باشد و بیم فرار یا مخفی شدن متهم یا تبانی وجو داشته باشد. با این توصیف جلب به اعتبار مقاماتی که صلاحیت صدور آن را دارند بر دو نوع است:

جلب در جرایم مشهود: جلب متهم رأساً توسط پلیس با توجه به مقررات آیین دادرسی کیفری است که او را مکلف می نماید که به محض اطلاع از وقوع جرم در جرایم مشهود، تمامی اقدامات لازم را به منظور حفظ آلات و ادوات و آثار و علایم جرم و جلوگیری از فرار متهم و یا تبانی، معمول و تحقیقات مقدماتی را انجام دهند و بلافاصله به اطلاع مقام قضایی برسانند و اگر نتوان به طریق دیگری از فرار متهم یا تبانی او جلوگیری کرد جلب وی تجویز گردیده است. (کلی و نندویسرکانی، ۱۳۸۶: ۸۳).

جلب در جرایم غیر مشهود: در جرایم غیر مشهود چنانچه متهم بدون عذر موجه قانونی نزد مقام قضایی حاضر نشود برگ جلب وی تنظیم و جهت جلب متهم نزد مأمورین پلیس ارسال می شود. البته پلیس باید شرایطی را در خصوص جلب متهم رعایت نماید مثل اینکه در خصوص افراد بیماری که دستور جلب آنها صادر شده است پس از اطمینان خاطر از بیماری وی مراتب صورتجلسه و به همراه مدارک پزشکی جهت کسب تکلیف به مقام قضایی اعلام نماید. یا اینکه در ساعات اولیه روز اقدام به جلب متهم نماید به نحوی که قبل از پایان وقت اداری امکان تحویل وی به مقام قضایی وجود داشته باشد. (همان، ۸۳)

۳-۳-۵- تفتیش و ضبط اوراق و اشیای متعلق به متهم و ثبت مکالمات تلفنی وی

تحصیل اوراق و نوشته ها و سایر اشیای متعلق به متهم و همچنین مراسلات پستی، مخابراتی، صوتی و تصویری مربوط به متهم که راجع به واقعه جرم یا موثر در تحقیقات باشد، جهت کشف حقیقت و تکمیل تحقیقات و تسهیل انجام آن صورت می گیرد و منظور از چنین اقداماتی، تضمین هر چه بیشتر کشف حقیقت است و به تبع آن پیشرفت های حاصل شده در پرونده منجر به تسهیل احراز اتهام می گردد. در این میان هر چند که بزه دیده مستقیماً مورد حمایت قرار نگرفته اما به تبع اقدامات انجام شده و پیشرفت سریع پرونده تضمین دسترسی او به ابزارهای حمایتی بیشتر می شود. به موجب ماده ۱۰۴ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۷۸، هرگاه، تفتیش و بازرسی مراسلات پستی، مخابراتی صوتی و تصویری مربوط به متهم برای کشف جرم لازم باشد، می توان آن اشیاء را توقیف کرد. همچنین، کنترل تلفن افراد علاوه بر موارد امنیتی، برای احقاق حقوق اشخاص (از جمله، بزه دیدگان) مجاز است (تبصره همان ماده). در این خصوص چنانچه شخص مرتکب آلات و ادوات و آثار و علائم یا دلایل جرم در داخل منازل یا اماکن داشته باشد، پلیس در جرایم مشهود راساً و در جرایم غیر مشهود به دستور مقام قضایی نسبت به تفتیش منازل و اماکن و اشیاء مزبور اقدام خواهند کرد. البته با رعایت شرایط خاصی از جمله وجود دلایل کافی مبنی بر کشف آثار و دلایل جرم و یا دستگیری متهم در داخل آن منازل و اماکن و حفظ حرمت زندگی خصوصی شهروندان.

۳-۳-۶- حضور در تحقیقات

در برخی موارد، ممکن است به تشخیص مرجع تحقیق، معاینه محل نیز ضروری باشد. منظور از معاینه محل، ملاحظه صحنه وقوع جرم و آثار به جای مانده از آن در محل ارتکاب است. گاه نحوه ارتکاب جرم به صورتی است که علائم و آثار را در محل وقوع باقی می گذارد که از بررسی آنها می توان چگونگی ارتکاب عمل مجرمانه، امکان دخالت چند نفر در آن یا اقدام انفرادی یک نفر، مقاومت یا عدم مقاومت مجنی علیه و مانند آن را تشخیص داد. برخی مواقع نیز، وجود آلت جرم، خون یا لکه دیگر در محل حادثه، با نگاه تیز بین مرجع تحقیق در جریان معاینه محل کشف گردیده و ارسال آن به آزمایشگاه ضروری تشخیص داده می شود. بزه دیده نیز می تواند هنگام معاینه محل و تحقیقات محلی و تفتیش و بازرسی منازل و اماکن حضور داشته باشد. ماده ۷۸ ق.آ.د.ک در این خصوص مقرر می دارد: «معاینه محل توسط قاضی دادگاه و یا قاضی تحقیق و یا به دستور آنان توسط ضابطین

دادگستری و یا اهل خبره مورد وثوق قاضی، انجام می شود. هنگام معاینه محل اشخاصی که در امر جزایی شرکت دارند می توانند حاضر شوند، لکن، عدم حضور آنان مانع انجام معاینه محل نخواهد شد.» در این خصوص پلیس نیز که متصدی معاینه محل می شود بایستی تمام آنچه می بیند و مشاهده می نماید به طور دقیق بنویسد و توجه کامل داشته باشد تا آثار و علایم جرم به هنگام معاینه محل از بین نرود.

تحقیقات محلی نیز اقدام دیگری است که ممکن است برای تکمیل تحقیقات صورت گیرد و آن حضور در محل وقوع جرم، یا محل اقامت متهم یا محل اقامت شاکی و جمع آوری اطلاعات از اهالی محل است. معمولاً در تحقیقات محلی، اطلاعات اهالی محل از وضعیت اخلاقی و طرز رفتار و سلوک متهم و یا شنیده های آنان از وقوع جرم و اوضاع و احوالی که منجر به آن شده، می گردد. با این حال، گاه تحقیقات محلی منجر به دریافت اطلاعات ارزشمندی از اشخاص می شود که به واقع صحنه ارتکاب جرم را مشاهده کرده، ولی به دلایلی از مراجعه به دادسرا و ادای شهادت خودداری می ورزند، اطلاعاتی که در صورت عدم اقدام به تحقیقات محلی، مرجع تحقیق از آنها محروم می شود. ماده ۱۶۴ ق.آ.د.ک در این باره مقرر می نماید: «هر گاه برای کشف جرم و روشن شدن موضوع و نکات لازم در مورد شغل و خصوصیات اخلاقی متهم و سوابق زندگی او تحقیقات محلی ضرورت داشته باشد، و همچنین در مواردی که متهم یا شاکی به اطلاعات اهل محل استناد نماید، و یا قاضی، تحقیق از اهل محل را ضروری بداند، اقدام به تحقیقات محلی می نماید.» بنا بر این، با عنایت به مطالب فوق قابل ذکر است که مقنن با پیش بینی حق حضور بزه دیده در تحقیقات، به او اجازه مشارکت در فرایند تحقیق را داده است (ماده ۷۳) و در برخی موارد نیز می تواند مشارکت فعال داشته باشد (مواد ۹۱ و ۲۰۵).

نتیجه گیری

حمایت از بزه دیدگان یا همان بزه دیده شناسی حمایتی، رهیافتی نو در قلمرو علوم جنایی است که با تزریق آن به کالبد سیاست جنایی می توان الگویی از یک نظام جنایی ترسیم کرد که افزون بر مدار بزه کار، بر مدار بزه دیده نیز بچرخد. ویژگی برجسته این رهیافت نو گونه گونی مولفه های سازنده آن در چارچوب سیاست جنایی است که با ایجاد راهبردهای حمایتی در سه سطح تقنینی، قضایی و اجرایی جنبه های این الگوی حمایتی به وضوح آشکار می گردد. جامعه عمل پوشیدن به این راهبردها پیش از هر چیز در گرو تصویب قوانین و مقررات ویژه است. خوشبختانه، در این امر جامعه بین المللی و داخلی بی نصیب نمانده است و در عرصه بین المللی کنوانسیون هایی به تصویب رسیده اند که با تحلیل پیکره آنها می توان راهبرد هایی سازنده یافت. کنوانسیون هایی نظیر: کنوانسیون سازمان ملل متحد درباره دادگری و پشتیبانی برای بزه دیدگان و قربانیان سوء استفاده از قدرت [البته اکنون پیش نویس است و هنوز به تصویب نهایی نرسیده است]، اساسنامه دیوان کیفری بین المللی، کنوانسیون سازمان ملل متحد برای مبارزه با جرایم سازمان یافته فراملی (کنوانسیون ۲۰۰۰ پالمو)، کنوانسیون سازمان ملل برای مبارزه با فساد (کنوانسیون ۲۰۰۳ مریدا) و کنوانسیون اروپایی پرداخت غرامت به بزه دیدگان جرایم خشونت بار که سندی منطبقه ای، در این زمینه است.

در کنار اهمیت وجایگاه قانونگذاری، نقش دستگاه قضایی را به عنوان راهبرد قضایی بزه دیده مدار نباید نادیده انگاشت. در این میان و در حیطه بین المللی نقش دادگاه کیفری بین المللی را نباید از نظر دور داشت. تأسیسی مفید در جهت احیای حقوق از دست رفته بزه دیدگان جرایم جنایت علیه بشریت، نسل کشی، جنایات جنگی و... تا حدود زیادی کارساز بوده است. اما با این وجود، نباید فراموش کرد که به بار نشستن همه این تلاشها در گرو سیاست گذاریهای سنجیده و نظام مند است و هر چند که اسناد مفیدی در عرصه بین المللی به تصویب رسیده اما با توجه به عدم ضمانت اجرای کافی راهی طولانی در جهت ترمیم حقوق از دست رفته بزه دیده وجود دارد و تلاشهای صورت گرفته کافی به نظر نمی رسد.

در حقوق کیفری ایران نیز تلاش قانونگذار ما در حیطه راهبرد تقنینی تا اندازه ای موفقیت آمیز بوده است و قانون مجازات اسلامی با گستره و تنوعی از مواد گوناگون به حمایت کیفری، مالی، و حقوقی از بزه دیده پرداخته است. در زمینه راهبرد قضایی نیز باید عنوان نمود که با وجود راهبردهای متنوعی که در قانون آیین دادرسی وجود دارد، در بسیاری از موارد بزه دیدگان با صرف مدت‌های طولانی و هزینه های بسیار مربوط به رعایت تشریفات قضایی از قبیل ابطال تمبر و هزینه های رفت و آمد و تجدیدنظر، بعلاوه تحمل فشارهای روحی و جسمی باید در انتظار بسر ببرند. زیرا که مقنن در خیلی از موارد مطالبه ضرر و زیانهای ناشی از جرم را منوط به تقدیم دادخواست نموده است که این امر مستلزم گذر از قله صعب العبور تشریفات دادرسی و قضایی است که طی این راه پریپیچ و خم دادرسی باعث انصراف خیلی از بزه دیدگان از شکایت می شود و انتقام جویی شخصی را جایگزین سازش و جبران خسارت می سازد. در نهایت می توان گفت که در بعد اجرایی نیز سیاست جنایی ایران کارآمد و کافی نبوده است و ضابطین باید آموزش های ویژه ای در جهت برخورد با بزه دیده ببینند و حتی دادسرا نیز باید در این زمینه تلاش های لازم را داشته باشد.

پیشنهادات

در پایان می توان پیشنهادهای را برای حمایت هر چه بهتر از بزه دیده ارائه داد تا شاید گامی هر چند کوچک در جهت تحقق آرمان های انسانی و ریشه کن نمودن ظلم و تعدی به نوع بشر برداشته شود. این پیشنهادات را می توان به چهار دسته تقسیم نمود:

راهبردهای تقنینی

۱- تأسیس و ایجاد صندوق هایی جهت کمک به بزه دیدگان و منظور نمودن ردیفی از بودجه سالانه کشور جهت ترمیم خسارات و ضرر و زیان های وارده به مجنی علیهم به همان ترتیبی که برای خسارت دیدگان از بلایا و مصائب و خطرات طبیعی از قبیل سیل و زلزله پیش بینی شده است.

۲- تدارک امکانات پذیرش فوری بزه دیدگان در مراکز بهداشتی و نیز قوانین پزشکی لازم راجع به تشکیل پرونده پزشکی قانونی در صورتی که بزه دیده قصد شکایت داشته باشد و نیز مراقبت پزشکی- روانی از بزه دیدگان آسیب دیده.

راهبردهای قضایی

۱- تاسیس نهادی به نام نهاد تفهیم حقوق بزه دیدگان و در اختیار گذاشتن وکیل تسخیری برای بزه دیدگان بی بضاعت در جرایم سنگین.

۲- تقویت دستگاه عدالت کیفری از نظر امکانات مالی و نیروی انسانی مجرب، به منظور اقدام در کشف سریع جرم و تعقیب و مجازات مجرمین

راهبردهای مشارکتی

۱- ایجاد نهاد میانجیگری در جرایم غیر عمدی، مالی و سبک به منظور جلوگیری از تراکم کار و تسریع در خسارت زدایی از بزه دیدگان به شیوه اقامه اجباری این گونه دعاوی در این نهاد.

۲- ایجاد گروه های مددکاری که از افراد داوطلب تشکیل شده باشد به منظور کمک به بزه دیدگان در زمینه های مختلف.

راهبردهای آموزشی

۱- اتخاذ تدابیر لازم در زمینه افزایش اطلاعات مردم برای جلوگیری از بزه دیدگی

۲- گنجاندن درس عوامل بزه دیدگی و راه های جلوگیری از آن به عنوان واحد درسی در دانشگاه ها

۳- بالا بردن سطح آگاهیهای عمومی نسبت به چگونگی عملکرد دستگاه قضایی و دادن آموزشهای لازم به افراد، تا به سادگی قربانی جرم واقع نشوند.

منابع و مأخذ

- آخوندی، محمود (۱۳۸۸)، آیین دادرسی کیفری، جلد اول، چاپ چهاردهم، تهران، انتشارات اشراق.
- آخوندی، محمود (۱۳۸۴)، آیین دادرسی کیفری، جلد دوم، چاپ نهم، تهران، انتشارات وزارت فرهنگ.
- اسناد دیوان کیفری بین المللی (۱۳۹۰)، ترجمه محمد جواد شریعت باقری، چاپ دوم، تهران، انتشارات جنگل.
- بابایی، کوروش (۱۳۸۹)، وظایف و اختیارات دادستان دیوان کیفری بین المللی، مجله تعالی حقوق، شماره ۶.
- کلی وند تویسر کانی، علی ناصر (۱۳۸۶)، نقش پلیس قضایی در اجرای عدالت، چاپ اول، تهران، انتشارات فکر سازان.
- خالقی، علی (۱۳۸۸)، آیین دادرسی کیفری، چاپ سوم، تهران، انتشارات شهر دانش.
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۳۵)، لغت نامه دهخدا، جلد ۱۱، چاپ اول، تهران، انتشارات گلشن.
- رایجیان اصلی، مهرداد (۱۳۸۱)، بزه دیده در فرایند کیفری، چاپ اول، تهران، انتشارات خط سوم.
- رایجیان اصلی، مهرداد (۱۳۹۰)، بزه دیده شناسی، جلد اول، چاپ اول، تهران، انتشارات حقوقی شهر دانش.
- رایجیان اصلی، مهرداد (۱۳۸۴)، بزه دیده شناسی حمایتی، چاپ اول، تهران، انتشارات دادگستر.
- رایجیان اصلی، مهرداد (۱۳۸۵)، تحول حقوق جهانی بزه دیدگان بر پایه اصل هم ترازوی حقوق بزه دیده و متهم در بستر دادرسی عادلانه، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۵۶ و ۵۷.
- زهر، هوار (۱۳۸۳)، عدالت ترمیمی، ترجمه حسین غلامی، تهران، انتشارات مجد.
- عبدالهی، اسماعیل (۱۳۸۹)، درسهایی از فلسفه کیفری (درآمدی بر مسئولیت کیفری بدون تقصیر در نظام های حقوقی ایران و انگلستان)، چاپ اول، تهران، انتشارات خرسندی.
- عزیزی، علیرضا، (۱۳۸۸)، پیشینه و مبانی حمایت از بزه دیده و متهم در فرایند دادرسی کیفری، فصلنامه حقوقی گواه، شماره ۱۴.
- لپز، ژرار، و ژینا فیلزولا (۱۳۸۷)، بزه دیده و بزه دیده شناسی، چاپ دوم، تهران، انتشارات مجد.
- معین، محمد (۱۳۷۱)، فرهنگ فارسی، جلد اول، تهران انتشارات امیر کبیر.

- vlassis, Dimitri; the united Nations convention against corruption: overview of its contents and future (2004), Resource material series, no.66

- Handbook on justice for victims on the use and Application of the Declaration of basic principles of justice for victims of crime and Abuse of power (1999), un ODCCP, centre for International crime prevention, New York.

-

Abstract :

Victim is an important element in the criminal process that unfortunately has not found the real position in the criminology researches and the criminal policy in our country till now and the necessity to support this important and sensitive element requires creating the global, regional and local strategies so that the victim be able to achieve his lost rights. The strategy of support the victim means a method by criminal and non-criminal tools to support the victim. The contents of this research which are studied descriptively and analytically are done by the library studies and the research data collecting tools include note taking and using databases and computer network too, and the base and criterion in the qualitative analysis is reasoning, inference and comparison. In international level, the strategies are studied and analyzed in three Legislative, Judicial and Administrative areas. In Legislative strategy aspect, the documents like UN Draft Convention about Justice and supporting for the victims who abuse the power, Statute of the International Criminal Court, European Convention on compensation to victims of violent crime, UN Convention against the transactional organized crimes, UN Convention against corruption are explained and analyzed. In Judicial and Administrative aspects, the role of the victim in International Criminal Court and how to support him in the beginning of the preliminary researches and Maturity and Judgment stage are studied and analyzed, but, with respect to the analysis in this context and about explaining the strategies, it was defined that the efforts do not seem enough so that international documents are not efficient in practice and still many countries have not enter the provisions of documents into the practical realm of the strategic principles completely in different reasons. In Judicial and Administrative aspects, they could not support the victim completely. There are also the strategies in penal Rights in Iran in both different rules frame and the proceeding in courts and tribunals which are analyzed and studied in the research process and it can be said that the legislator effort has been somewhat successful in legislative strategy area and especially, after codifying in atonement part, could support the victim in a good way. But despite all the efforts and also in Judicial and Administrative strategy areas, there are some defects that can be useful, if corrected.

Key Words: Victim, Legislative Strategy, Judicial Strategy, Administrative Strategy